روایت روز

«دل» نشسته در گِل

درباره سریالی که دارد به آخر خط می‌رسد، اما بازیگر و مخاطبش را راضی نکرده است



طرح: شهاب جعفرنژاد

محبوبه عظیم زاده
m.azimzadeh@shahraranews.ir

از همان وقتی که قسمت‌های ابتدایی کار به بازار آمد، حاشیه‌هایش شروع شد. حاشیه‌ها و حرف‌وحدیث‌هایی که کاملا ملموس و واضح می‌گفت کارگردان «من سالوادور نیستم» و «عاشقانه»‌ای که قرار است فصل دوم آن هم ساخته شود، این مرتبه هم دست گذاشته است روی نمایش فضاهای لوکس، اشرافی و مشابه کارهای دیگرش. داستان البته فقط این نبود. ۲بازیگری که خب چه بهتر حامد بهداد و ساره بیات باشند، کافی بود تا ۲سر طیف اغراق آمیز و عاشقانه این سریال هم شکل بگیرد و اتفاق تلخی به‌نام تجاوز که به تمام این داستان عاشقانه رگه‌های تحریک کننده‌ای اضافه کند. اگر پیگیر کانال‌ها و صفحات مجازی باشید، حتما شما هم ویدئوکلیپ‌هایی را که در روزهای گذشته از سریال «دل» و بازی بهداد و بیات منتشر شد و جنبه تمسخرآمیزی هم داشت، مشاهده کرده‌اید. صحبت از دل حالا دوباره بر سر زبان‌ها افتاده است، این مرتبه به‌علت حرف‌های صریح سعید راد.

پشیمونم پشیمونم پشیمون

سعید راد در مصاحبه‌ای که با رادیوتهران داشت، حرف‌های زیادی از دل زد. اینکه این نوع کار به مذاقش خوش نیامده، سناریو را کامل ندیده و آن را برای خودش به‌مثابه اشتباهی قلمداد می‌کند که مرتکب شده و تا انتها پای آن ایستاده است. این نارضایتی به‌قدری بود که وقتی مصاحبه‌گر از او درباره داستان فیلم می‌پرسد، از این می‌گوید که اصلا این کار را ندیده و دنبال نکرده است. تمام صحبت‌های راد البته روی دل متمرکز نبود، او در بخشی از صحبت‌هایش گفت: «اینا فقط می‌خوان فیلم رو بگیرن و تموم شه، اینا با این کارا بیزینس می‌کنن.» انتقادهایی که مشابه آن را البته با شکل وشمایلی متفاوت هرازگاهی از زبان یکی از دست‌اندرکاران این حوزه و به‌ویژه بازیگرها می‌شنویم، یکی از باندبازی موجود در این حرفه می‌گوید و دیگری از اینکه حالا همه چیز سینما افتاده است دست یک عده آدم مشخص و محدود. راد البته اصل ماجرا را فراتر از دل و حاشیه‌های آن دانست و اینکه به‌نظر اوضاع به‌گونه‌ای پیش رفته است که مردم هم از تماشای این چیزها بدشان نمی‌آید: «ما به هر حال چه بخواهیم و چه نخواهیم در این چند سال به‌واسطه سریال‌های ترکی و هندی جذب مسائلی شده‌ایم که هیچ‌کس مقصر نیست. فقط تعجب می‌کنم که چرا تلویزیون با بودجه‌های خوب چنین چیزهایی را درست می‌کند که جذاب نیست و بعد مردم می‌روند به سمت تماشای چیزهایی که بخندند یا شاد شوند یا چیزهایی ببینند که در اینجا ممنوع است.»

قصه عمیق‌تر این حرف‌هاست

مخاطب عام هم البته مفهومی است که احتمالا ذهن آدم را به خود مشغول می‌کند. اصلا این مخاطب عام کیست؟ سلیقه‌اش چیست و آیا نمی‌توان جای پیشرفت و بهبودی در مسیر علاقه‌مندی‌های او باز کرد؟ مخاطبی که منوچهر هادی وقتی انتقادها به کارش بالا گرفت، گفت: «من سریالم را برای او می‌سازم». با این حال، کارگردان «آینه بغل» وقتی هوشنگ گلمکانی، منتقد سینما، نمایش این همه تجمل برای مردمی را که در تأمین معیشت زندگی‌شان نگران و ناتوان هستند، درباره قصه دل پیش کشید، از این گفت که: «هدف بیان مشکلات خانواده‌های اشرافی است و نه ترویج آن و اینکه نمایش چنین چیزهایی ممکن است در کسی ایجاد انگیزه هم بکند». حالا منوچهر هادی هم در پاسخ به صحبت‌های راد متنی را در اینستاگرامش منتشر کرده است، متنی که البته جبهه‌گیری یا جواب دندان‌شکنی نیست، بلکه با عذرخواهی و مهربانی همراه بوده است. او از این گفته است که ترجیح می‌دهد فقط به خاطرات خوب پشت صحنه فکر کند و اینکه اگر نقدی به سریال وارد است آن را می‌پذیرد و با تمام وجود سریال دل را ساخته و مثل خود راد پای کارش ایستاده است: «از همه کسانی که به هر دلیلی با سریال دل ارتباط برقرار نکردند هم عذرخواهی می‌کنم.»

«در این دوران خیلی از آدم‌ها یاد گرفتند که تعریف‌ها رو مال خودشون کنند و انتقادات رو به دیگران حواله بدهند حقا که جایگاه بلند تو تحسین‌برانگیز است و وسوسه رسیدن به آن برای بعضی حسادت را جایز می‌کند.» این هم واکنش یکتاناصر، همسر منوچهر هادی بود که در زیر این پست اینستاگرامی نوشت. سریال دل با تمام بالاوپایین‌هایش چهارشنبه دوم مهرماه به کار خود پایان می‌دهد.

آرش همیشه دنبال رستا می‌گشت

واکنش‌هایی که درباره سریال دل وجود داشت، خواه‌ناخواه به‌دلیل هم‌زمان‌شدن با سریال‌های پرمخاطب دیگر شبکه نمایش خانگی مثل «هم‌گناه» و «آقازاده» مثبت نبود. کاربران زیادی در پای صفحات مربوط به این ۲سریال، آن را با دل مقایسه کرده‌اند و از این گفتند که ای کاش دل دست‌کم قصه جذابی برای دنبال کردن داشت. کاربری هم نوشته بود: «اگه فیلم‌نامه سریال هم‌گناه رو می‌دادن دست هادی، هنوز پرویز داشت پیمان رو راضی می‌کرد که بیاد فریبرز رو ببینه و وسطشم ۲۰دقیقه تصاویر اسلوموشن پیمان و فریبرز با صدای شهاب مظفری پخش می‌شد.» کاربر دیگری هم یادی کرد از نبود مادر هاچ زنبورعسل و گفت: «ولی فکر کنم منوچهر هادی برای ساخت سریال دل از کارتون هاچ زنبورعسل الهام گرفته، یعنی این‌قدر که آرش دنبال رستا گشت، هاچ دنبال مادرش نگشت.» عده‌ای هم از بازی‌ها ایراد گرفتند و نوشتند: «حامد بهداد از اون فیلم اولش که دوست پژمان بازغی بود تا این آخری فقط و فقط خوب چاقو می‌خوره.» در این میان کاربری هم سر شوخی و خنده را با خودش باز کرده بود و نوشت: «چند ساعت توی اینستاگرام عکس لباس‌های شیک و خودروهای مدل بالا و خونه‌های لوکس دیدم و بعدش یه غذای خوشگل بدمزه خوردم. کارگردان امروز زندگیم منوچهر هادی بود.»

Tweets



هدی بانی، | فعال توئیتری

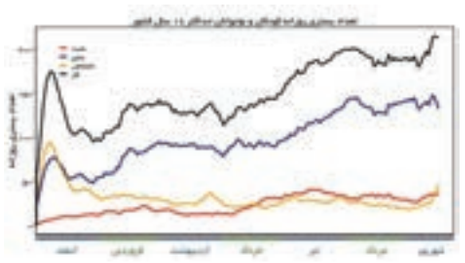
هوشنگ ابتهاج ساز زدن محمدرضا لطفی رو این‌جوری تشبیه کرده:
«به نظر می‌آد یه مشت مروارید رو روی یه سینی طلا یا نقره ول کردی...»
قلب آدم می‌گیره از زیبایی این تشبیه #هوشنگ_ابتهاج #محمدرضا_لطفی

بهمن بابازاده | خبرنگار
@bahman_babazadeh

در کسادی بازار #موسیقی، تحرکاتی درباره سایت‌های شرط‌بندی برای #خواننده‌های داخلی رخ داد. روی پوستر و کاور آثارشان در #رادیو_جوان سروکله لوگوها و لینک‌های سایت‌های «bet» پیدا و در #استانبول قراردادهایی گذاشته شد. صدایش پیچید تا دفتر موسیقی در یک نامه رسمی خواستار رسیدگی شود.

آذر منصوری | فعال توئیتری
@mansooriazar

پس از بازگشایی مدارس، آمار روزانه بستری کودکان و نوجوانان (نهایت ۱۸سال) مشکوک به کرونا به بیشترین حد از ابتدای همه گیری کرونا رسید. ۳۱هزارو ۷۷۸ کودک و نوجوان تاکنون با علایم محتمل کرونا بستری شده‌اند.
۴۶۳۲ کودک و نوجوان مبتلای قطعی به کرونا تاکنون بستری شده‌اند.



نوید برهان‌زهی | فعال اجتماعی
@navid_bhz

۱۱دانش‌آموز یک مدرسه در سراوان سیستان‌وبلوچستان رتبه زیر ۱۰۰۰ کنکور آوردن، یک نفرهم در زابل رتبه ۹ کنکور ریاضی آورده.

محمدرضا زائری| کارشناس فرهنگی
@morzaerizaeri

ولي خودمانيم، كرونا هر مصيبت و دردسری كه براي همه عالم داشت، براي ديپلمات‌های ايرانی و نمايندگان رسمی جمهوری اسلامی در خارج از كشور خوب شد!
... ديگر لازم نيست موقع روبه‌رو شدن با خانم ها بترسند و دنبال بهانه بگردند و دست و پايشان را گم كنند و عزابگيرند و دردسر داشته باشند!

مرضیه محمودی | خبرنگار
@marziyemahmoodi

مجلس طرحی برای آزادسازی #واردات_خودرو داده است.
اما واردات را مشروط به صادرات #خودرو و قطعات داخلی کرده است!
۱. ما خودمان واردکننده‌ایم. ۲. راهی برای #صادرات مانده است؟
۳. ما خودمان قطعه نداریم، چطور نداشته‌هایمان را صادر کنیم.
۴. مگر در کشوری این خودروها تولید می‌شود که قطعه وارد کنند؟

مهدیس فلاحی | فعال توئیتری

ردبول شده ۴۵تومن! والا من ۴۵تومن تو جیبم باشه بیشتر انرژی می‌گیرم تا اینکه ردبول بخورم!

نام مادر روی کارت ملی

واکنش‌های فضای مجازی به پیشنهاد معصومه ابتکار درباره درج نام «مادر» روی کارت‌ملی

حاشیه‌نگاری

ارژنگ حاتمی
a.hatami@shahraranews.ir



معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده، در توئیتی خواستار درج نام مادر در کنار نام پدر در کارت‌ملی ایرانیان شد. معصومه‌ابتکار روز گذشته در این توئیت و در پاسخ به یک شهروند که از افزوده‌شدن نام مادرش در مشخصات فرم ثبت‌نام برای دریافت فلوشیپ خوش‌حال بود، نوشت: «در مکاتبه‌ای حدود ۲ هفته قبل، از وزیر کشور درخواست کردم همان‌طور که در شناسنامه نام مادر کنار نام پدر آمده است، در کارت‌ملی هم از این به بعد نام مادر درج شود تا هر ایرانی به نام پدر و مادر شناخته شود.» برخی کاربران از این پیشنهاد بسیار خوش‌حال بودند و از خانم ابتکار به‌دلیل این درخواست از وزیر کشور، قدردانی کردند. کاربری دراین‌باره نوشت: «ممنون خانم ابتکار، پیشنهادتون عالی است، چرا فقط اسم پدر در کارت‌ملی باشه؟ پس مادر چی؟!» یا کاربر دیگری که نظری به این شرح داشت: «نام مادر مقدسه و باید همیشه در کنار نام پدر باشه و پیشنهاد شما واقعا درست و بجاست.» البته برخی آنان گله داشتند که چنین درخواستی چرا این‌قدر دیر مطرح شده است: «حالا که عراق و افغانستان هم اسم مادر را در کارت‌های شناسایی آوردند، یادتان افتاد؟ چرا این‌قدر دیر؟ کمی ابتکار داشته باشید خانم ابتکار!»

جالب آنکه برخی کاربران که تعدادشان کم هم نبود، واکنشی بسیار عجیب به این موضوع داشتند. آن‌ها معتقد بودند هدف از این پیشنهاد خانم ابتکار، تعویض کارت‌های ملی و درآمدزایی برای دولت است. کاربری دراین‌باره نوشت: «باز باید کارت‌ملی‌ها عوض بشه و نفری ۳۰هزار تومن بدیم.» و کاربر دیگری که پیامی به این شرح داشت: «می‌خوان دوباره کارت‌ملی‌ها رو عوض کنن که دوباره یه پولی بگیرن!» یا کاربر دیگری که اشاره‌ای هم به دیر تحویل داده شدن کارت‌ملی‌اش کرد: «تازه بعد از ۲سال کارت‌ملی به دستم رسیده است، دوباره کلی هزینه و انتظار؟!» یک ماه پیش بود که سخن‌گوی سازمان ثبت احوال کشور از انتظار ۱۰میلیون نفر برای دریافت کارت‌ملی خود خبر داده و گفته بود: «برخی هم‌وطنان حدود ۲سال است که منتظر دریافت کارت‌های ملی هوشمند خود هستند.» گروهی از کاربران نیز این درخواست خانم ابتکار را صرفا حرکتی نمایشی دانستند و بر این اعتقاد بودند که مشکلات بانوان با طرح‌های این‌چنینی حل نخواهد شد. کاربری دراین‌باره نوشت: «شما به‌عنوان معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده، برای زنان هیچ کار چشمگیری انجام ندادید. بیمه و حقوق زنان خانه‌دار چه شد؟ برای رسیدن زنان به حق خودشان و دیده‌شدنشان چه کردید؟» یا کاربر دیگری که نوشت: «یعنی الان با این کار حق‌وحقوق زنا رو گرفتی تموم شد؟ دست بردار خانم ابتکار از این نمایش!»

با این حال بسیاری دیگر از کاربران هم نسبت به درج نام مادر روی کارت ملی کنار نام پدر ابراز خوشحالی کردند و یکی از آنان توئیت زد: «بعد از اینکه برای بچه‌های حاصل از مادر ایرانی و پدر خارجی شناسنامه‌ای با نام مادر گرفته میشه، این پیشنهاد هم می‌تونه جایگاه مادرا رو به صورت حقوقی پررنگ‌تر نشون بده.»

گزارش داغ

یک حمام ۲در۲ خانه ماست!

همراه با ابوالفضل لعل‌بهادر، از فعالان اجتماعی شهر سبزوار، از شرایط منطقه «اسلام‌آباد» سبزوار بازدید کردیم و در حال گفت‌وگو با زباله‌گردی بودیم که دختری به‌نام هدیه جلو آمد و با خواهش و التماس ما را به خانه‌شان دعوت کرد تا وضعیت زندگی خود و خانواده‌اش را به ما نشان دهد. کوچه‌ای را از میان فاضلاب‌های خانگی و پر از زباله طی کردیم. خانه محقر آن‌ها در انتهای کوچه بود. وارد خانه که شدیم، هدیه حمامی در گوشه حیاط نشانم داد و گفت: «ما چهارنفری در این حمام زندگی می‌کنیم. به‌دلیل اینکه نتوانستیم اجاره خانه‌مان را بپردازیم، صاحب‌خانه ما را بیرون کرد و مجبور شدیم در حمام خانه عمه‌ام ساکن شویم.» شرایط زندگی به‌نحوی بود که در داخل یک اتاق ۲در ۲ که درواقع یک حمام بود، تمام وسایلشان را چیده بودند. شیرآلات و دوش حمام هنوز به دیوارها متصل بود و بوی نمی که داخل فضا پیچیده بود، شرایط تنفسی را به‌شدت مشکل کرده بود. پتویی به‌عنوان فرش پهن کرده بودند و بالشتک‌های کهنه و رنگ‌پریده‌ای در اطراف مشاهده می‌شد. خانواده چهارنفره هدیه در بیرون حمام با چیدن چند آجر، اجاق گازی برای خود درست کرده بودند. لباس‌هایشان به دیوار حیاط آویزان بود و به‌علت کوچک‌بودن فضا، پدر و پسر خانواده در حیاط می‌خوابیدند. اما داستان این خانواده فقط به بی‌سرپناه‌بودن خلاصه نمی‌شد و بازهم ردپای اعتیاد را که همراه با فقر میهمان این زندگی‌های فراموش‌شده می‌شود، می‌توانستید در چهره آن‌ها ببینید. هدیه از مادرش و وضعیت اعتیاد او می‌گفت. «مادرم قبلا درگیر اعتیاد بود و حالا گاهی تریاک می‌کشد. بعضی وقت‌ها هم شربت متادون می‌خورد. پدرم کارگر گچ‌کار است و از زمانی که به‌خاطر دارم، مواد مخدر سنتی مثل شیره و تریاک مصرف می‌کند.»

علیرضای سیزده‌ساله، مصرف‌کننده کوچک هروئین

زمانی که داشتیم با هدیه صحبت می‌کردیم مادرش جلو آمد و از او درباره پسر سیزده‌ساله‌اش پرسیدیم: «علیرضا کلاس هفتم است. حدود دوسه ماه پیش با یک نفر دوست شد و الان هروئین مصرف می‌کند. برای کمک به پسرم سعی کردیم شیره و تریاک را جایگزین هروئین کنیم.» با دیدن علیرضا متوجه شدیم که او به درمان و مراقبت‌های پزشکی تحت نظارت کارکنان درمانی مجرب و مصرف داروهای خاص نیازی جدی دارد تا از افیون اعتیاد جان سالم به در ببرد. برای خواندن ادامه گزارش از روزنامه صبح امروز، کد را اسکن کنید.

بلاتکلیفی اساسی در گمرک

چرا ۳میلیون تن کالاهای اساسی و نهاده‌های تولید از گمرکات کشور ترخیص نمی‌شوند؟

افزایش قیمت برخی کالاها در ماه‌های گذشته فراتر از نرخ عمومی تورم یا حتی افزایش نرخ ارز بوده است؛ موضوعی که باعث شده تعدادی از کارشناسان، مسائل دیگری چون عدم سهولت ترخیص کالاها از گمرکات کشور و دپوی میزان قابل‌توجهی کالای اساسی و نهاده‌های تولید در انبارها را یکی از دلایل این موضوع بدانند؛ مسائلی که در روزهای گذشته از سوی برخی کارشناسان و نمایندگان مجلس مطرح شده است. ماجرا از این قرار است که بانک مرکزی برای واردات این کالاها به کشور به بانک‌های تجاری اجازه می‌دهد اعلامیه نوع و نرخ ارز تخصیص‌داده‌شده به واردات این کالاها را اعلام کنند تا واردکنندگان این کالاها با ارائه این اعلامیه به گمرک، کالاهای خود را ترخیص کنند. در این میان، مشکل این است که هنوز این اعلامیه صادر نشده و واردکنندگان از نوع ارز تخصیص‌داده‌شده به کالای وارداتی خود مطمئن نیستند. این موضوع باعث شده است صاحبان این کالاها نگران باشند که بعد از ترخیص نتوانند از ارز ۴۲۰۰تومانی بهره‌مند شوند. ناهماهنگی‌های رخ‌داده در این میان منجر به تردید واردکنندگان درباره ورود کالا به کشور شده است؛ موضوعی که از آن به‌عنوان یکی از دلایل دپوی کالاهای اساسی در گمرکات کشور نام برده می‌شود. مهرداد جمال‌ارونقی، معاون فنی و امور گمرکی گمرک ایران، با تشریح موجودی کالاهای دپوشده در بنادر و گمرکات کشور، درباره آخرین وضعیت ترخیص کالاهای اظهاری به گمرکات کشور گفت: در حال حاضر موجودی کالاهای اساسی در بنادر کشور بیش از ۳میلیون تن برآورد می‌شود که بیش از ۲میلیون تن از این اقلام اساسی در بندر امام‌خمینی(ره) دپو شده است. مهدی میراشرفی، رئیس کل گمرک ایران نیز در این باره می‌گوید در گمرکات دنیا معمولا مانده معقولی از کالا وجود دارد که برخی اوقات از آن به‌عنوان رسوب یا دپوی کالا نام برده می‌شود؛ با این حال براساس تحقیقات انجام‌شده هر یک روز معطلی در ترخیص و ماندگاری کالا، معادل یک‌درصد به قیمت تمام‌شده کالا اضافه کرده و این امر رقابت‌پذیری کالاهای صادراتی را کاهش می‌دهد و کالاهای وارداتی را برای واحدهای تولیدی و درنهایت مصرف‌کننده نهایی گران‌تر می‌کند. برای خواندن ادامه گزارش از روزنامه جام‌جم، کد را اسکن کنید.

دیالوگ ماندگار



تایلر: می‌دونی چرا توی هواپیما ماسک اکسیژن می‌ذارن؟
راوی: برای اینکه نفس بکشیم.
تایلر: اکسیژن تو رو نشئه می‌کنه، توی یه موقعیت فاجعه‌بار شروع می‌کنی به نفسای وحشت‌زده کشیدن و یه دفعه سرخوش و مطیع می‌شی و تقدیرت رو قبول می‌کنی!

باشگاه مشت‌زنی، ۱۹۹۹